



## رقص مذهبی شینتو

رقص حرکت موزون بدنی است که احساسات درونی انسان، حیوانات و پرندگان را ظاهر میسازد. این طرز ابراز احساسات از زمان قدیم رسم بوده و تا با امروز نیز باقی است. در ادوار مختلفه گاهگاهی مردمانی پیدا شده اند که این حرکت را ناپسند فرض کرده و آنرا مخصوص يك دسته پستی دانسته اند. میگویند سقراط فقط برای ورزش میرقصیده و سیسرون عقیده داشته که فقط مستبان و دیوانگان میرقصند و آدم حساسی باین کار تن در نمیدهد.

علاوه بر ابراز احساسات، رقص برای تهییج نفرات در موقع جنگ و یا ترساندن دشمن بکار برده میشده. قبایل بومی آمریکا هر يك رقص جنگی مخصوص بخود دارند. چند سال پیش در یکی از مسافرت های خود در مغرب آمریکا برای تماشای رقص جنگی قبیلۀ «هویه» رفتم. تمام جنگجویان قبیله بدو دسته تقسیم شده با تیر و کمان و تبر در برابر یکدیگر صف کشیدند. صدای طبل و دستور رؤسای خود با هلهله و شادی بیکدیگر حمله نموده حرکات جنگی میکردند. این رقص تقریباً یکساعت طول کشید و در حقیقت تمرینی برای جنگ حقیقی بشمار میرفت.

بیشتر کار های عادی امروزه ما در زمان قدیم اهمیت مذهبی داشته. مثلاً

بستن زیور ، خواندن آواز و غیره هر يك برای انجام يك نوع عبادتی بوده است . در عبادت مردمان باستان رقص مقام بزرگی داشت . برای تشویق ایزدان کشاورزی ، مردم هنگام پاشیدن تخم و درو میرقصیدند . این رسم تا امروز در بعضی از کشور های اروپای مرکزی باقی است . در کیلان دختران يك بخش برای « یاور دادن » به همسایگان خود در نشای برنج رقص کنان میروند و پس از انجام کار پای کوبان برمیگردند .

در آئین شینتو یا « راه خدایان » که اغلب ژاپنیها پیرو آن هستند رقص مقام مهمی دارد . ژاپنیها هر سال چندین جشن مذهبی دارند و در همه اینها رقصیدن معمول است . قشنگترین و مجلل ترین این رقصها معروف است به رقص میدا کواودوری که هر سال در ماه آوریل روزی پنج مرتبه در شهر کیوتو انجام میگردد . در این رقص



رقص میانکواودوری

سی و دو دختر جوان بین پانزده تا هیجده سال که مخصوصاً برای این کار انتخاب و تربیت شده اند شرکت میکنند . شش دختر خواننده و یازده دختر نوازنده با اینها همراهی مینمایند . این رقص همیشه نه قسمت دارد که هشت قسمت آن بدون موسیقی و فقط يك قسمت آن با موسیقی انجام میگردد .

رقصی که مخصوصاً عبادت خدایان است فقط در معابد بوسیله راهبه ها انجام میگردد و عدد معابد شینتو در ژاپن بدویست هزار میرسد .

در دهکده نیکو نزدیک توکیو معابد زیادی هست که از چهار صد سال پیش باین طرف بدستور شوگون ها یا نخست وزیران ژاپن ساخته شده اند . تابستان گذشته



هنگامیکه در ژاپن گردش میکردم داخل یکی از معابد نیکو شده بتماشای رقص مذهبی شینتو پرداختم. همه معابد شینتو در ژاپن با چوب ساخته شده‌اند و بیشتر ساده و بدون



یکی از دور نماهای دهکده نیکو

زینت میباشند. کف اطاق این معبد با حصیر ژاپنی فرش شده و جائیکه بمنزله محراب بود پرده بزرگی از سقف آویزان بود. در جلو پرده میز کوچکی بود که روی آن یک بشقاب پلو، یک بشقاب سبزی و یک بطری ساکی (عرق ژاپنی) برای خوردن ارواح گذارده شده بود. از پشت پرده دو راهبه با پیراهن سفید و دامن سرخ و جورابهای سفید وارد اطاق شدند. زلف هر دو پیرایشان بود و هر یک شمشیر ظریفی در دست داشتند. رقص به آهنگ یک سنج و یک طبل و یک نی شروع شد. این رقص را ژاپنیها کاکورا مینامند.

سنج و طبل ژاپنی معمولی است ولی طرز زدن طبل فرق دارد. زننده چوبهای طبل را عمودی در دست گرفته روی طبل میکوبد. آلتی که آن را فی گفته‌ام بر ژاپنی شو میگویند. اول دو فی کوتاه را بهم بسته‌اند و بعد دو فی بلند تر در دو طرف آن بسته شده و سپس دو فی بلند تر دیگر و همینطور تا اینکه بلند ترین فی تقریباً به هفتاد سانتیمتر میرسد.

در ابتدا موزیک خیلی آهسته بود و رقصه‌ها ازدو گوشه اطاق بطرف یکدیگر

پیش میآمدند. هر کدام با هر دو دست شمشیر را بالای سر خود نگاهداشته و گاهی آنرا جلوی صورت خود آورده و گاهی بسینه میچسبانند. موزیک که خیلی آهسته شروع



معبد شینکو در نیکو

شده بود آن بآن تند تر میشد و بهمان میزان راهبه ها تند تر میرقصیدند و در ضمن باهستگی شمشیر را از غلاف بیرون میکشیدند. و قتیکه شمشیر بکلی از غلاف بیرون آمد موزیک خیلی تند شده بود و آن در رقاصه پایکوبی کرده و حرکات جنگی میکردند

گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



طبل و نی ژاپنی

گاهی شمشیر را دور سر خود میگردانند و گاهی در مقابل یکدیگر زانو میزدند و بعد از آن برخاسته یکدیگر حمله میکردند. پس از چندی موزیک آرام شد و آن دو راهبه شروع کردند که شمشیر های خود را غلاف کنند. موزیک هر آن آرامتر میشد و دختر ها رقص کنان شمشیر را غلاف میکردند. وقتی که شمشیر بکلی غلاف شد رقص نیز با تمام رسید و هر دو راهبه به پشت پرده رفتند. پس از دقیقه ئی راهبه ها در حالیکه در یکدست نان برنجی و در دست دیگر زنگوله داشتند پیش آمده اول زنگ زدند و بعد بهر یک از ما نان برنجی دادند. بعقیده ژاپنیها خوردن نان برنجی خوشبختی میآورد.

یحیی ارمجانی







### آقای یاروسلاو، نیزا

که از پراگ برای تعلیم باسون و شرکت در ارکستر اداره موسیقی کشور استخدام شده در پراگ دنیا آمده. پس از تحصیلات مقدماتی موسیقی در سال ۱۹۲۱ بکنسرواتوار ملی پراگ داخل گردیده و در سال ۱۹۲۷ پس از گذراندن مسابقه و بدست آوردن «جایزه شوپرت» تحصیلات خود را خاتمه داده در همانسال پس از گذراندن مسابقه دیگر برای شرکت در ارکستر رادیو ژورنال شهر بروئو استخدام گردیده و پس از چندی باز پس از گذراندن مسابقه عمومی به رادیو ژورنال شهر پراگ انتقال یافته است. در سال ۱۹۲۹ بعنوان سولست ایرای ملی پراگ استخدام شده و تا موقع مسافرت بایران در آن ایرا مشغول خدمت بوده. و نیز در ارکستر هنرآموزان کنسرواتوار پراگ و ارکستر «کوئین تیت اسبابهای بادی» شهر پراگ شرکت نموده است.